

اندیشه سیاسی اسلام در ایران پس از انقلاب اسلامی

در گفت‌وگو با دکتر نجف لکزایی

اشاره

دکتر نجف لکزایی، دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه، هم‌اکنون، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی باقرالعلوم (ع) و سردبیر فصلنامه علوم سیاسی است. از وی تألیفاتی در این حوزه وجود دارد که نمونه آن، مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی و علوم سیاسی است.



مطالعات اندیشه سیاسی اسلام در ایران پس از انقلاب (طی این سه دهه) از چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار است؟ آیا می‌توان در یک نگاه کلی سمت و سو (جهت‌گیری)‌هایی را در این مطالعات دید؟

حجت‌الاسلام لکزایی: ما می‌توانیم سی سال پس از انقلاب را در سه مقطع تقسیم کنیم؛ در مقطع اول که همان دهه اول است، مطالعاتی که در این حوزه صورت گرفته، مطالعات سازمان‌یافته‌ای نیست و بیشتر، مباحث، در قالب سخنرانی‌های کلی است و بحث‌ها عمدتاً موردی و غیر تخصصی است. در اواخر این مقطع و در دهه دوم، یک بحثی در سطح نخبگان مطرح شد که آن نظریه‌ای بود که از آن با عنوان زوال اندیشه سیاسی یاد می‌شود. کتابی نیز به همین نام منتشر شد که در آن کتاب اشاره به این مسئله می‌شود که ما

چیزی با عنوان اندیشه سیاسی اسلام نداریم. این نظریه و مباحثی که پیرامون آن شکل گرفت، باعث شد تا دوره جدیدی در اندیشه سیاسی اسلام صورت بگیرد و آن مجموعه تلاش‌هایی بود که با هدف که با رویکردی تاریخی نشان دهد که ما اندیشه سیاسی اسلام داریم. در همین مقطع بود که واحد اندیشه سیاسی اسلام در مرکز مطالعات و تحقیقات در آن زمان شکل گرفت. در واقع، رویکرد فعالیت‌ها در حوزه اندیشه سیاسی اسلام، بیشتر رویکرد تاریخی بود. در مقطع سوم، بعد از این که کارهای تاریخی شکل گرفت، رویکرد تازه‌ای پدید آمد و آن رویکرد ایجابی و فعال بود و آن، قائل به آن بود که ما نباید در مسائل اندیشه سیاسی اسلام به رویکرد تاریخی بسنده کنیم. در مطالعات تاریخی، مشخص شده بود که گستره اندیشه سیاسی اسلام بسیار وسیع است و باید گرایش‌ها و دانش‌های تخصصی در این حوزه شکل بگیرد و به شکل روش‌مند، مباحث و مسائل جدید را نیز مورد مطالعه قرار دهد. در این مقطع ما شاهد گروه‌های پژوهشی رسمی، مانند گروه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی هستیم. در همین مقطع است که آن چیزی که در دهه دوم، به عنوان اندیشه سیاسی اسلام تدوین شده بود، با اخذ مجوز رسمی از وزارت علوم تبدیل به پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی اسلام می‌شود. در این جا اشاره کنم که در کشور ما مراکز مطالعاتی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام در پانزده سال اخیر شکل گرفته است و گفتنی است، این‌ها تنها دو مرکزاند که یکی، پژوهشکده علوم سیاسی است و دیگری مرکز تحقیقات مجلس خبرگان است که فعالیت‌های محدودی در این حوزه دارد و در سال‌های اخیر قرار بر گسترش فعالیت‌های این مرکز بود، ولی هنوز موفق نبوده است. البته غیر از کارهایی که در این مراکز انجام می‌شود، کارهای فردی و موردی نیز داریم.

اما به لحاظ آموزشی، وضعیت فرق می‌کند، ما به لحاظ آموزشی در نهادهای آموزشی وابسته به حوزه علمیه قم هنوز هیچ گروه سیاسی نداریم که عهده‌دار آموزش اندیشه سیاسی باشد. سرآغاز رشته‌ای با نام علوم سیاسی، به سال ۱۳۶۶ برمی‌گردد که مجموعه‌ای که امروز با نام دانشگاه باقرالعلوم شناخته می‌شود، رشته علوم سیاسی تأسیس شد. رویکرد مسئولان این مجموعه، تربیت محقق و نظریه‌پرداز اندیشه سیاسی بود. البته چند سال پس از تأسیس این دانشگاه‌های دیگری نیز اضافه شدند که امروز در مراکز و هم‌چون دانشگاه مفید، مؤسسه علمی، پژوهشی امام خمینی و

جامعه‌المصطفی، مراکز آموزش علوم سیاسی داریم. همین آموزش‌ها پشتیبان پژوهش‌های ارزنده‌ای است که در این مراکز صورت می‌گیرد و این‌ها می‌تواند این امیدواری را بدهد که ما در آینده شاهد پژوهش‌های جدی‌تری باشیم.

مطالعات علوم قرآنی در قیاس با قبل از انقلاب اسلامی ایران (طی این سه دهه) از چه تمایزها و احیاناً امتیازهایی برخوردار بوده است؟

قبل از انقلاب، اساساً نمی‌توانیم از حوزه‌ای با نام اندیشه اسلامی یاد کنیم، چون مطالعات مربوط به علوم سیاسی در نظام‌های استبدادی رشد نمی‌کند و بلکه حتی جلوی رشد آن گرفته می‌شود. من در برخی از کشورهای منطقه که نظام‌های پادشاهی دارند، سفر کرده و در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب آن‌ها شرکت کردم، کتاب‌هایی در این حوزه، در این کشورها پیدا نمی‌شود، مثلاً کتابی درباره حزب نمی‌بینید، چرا که تشکیل حزب در آن کشور ممنوع است. کتابی درباره مشارکت سیاسی نمی‌توان یافت، چون نظام سیاسی در آن کشور پادشاهی است. در صورتی که کتاب‌هایی در حوزه علوم طبیعی، کشاورزی و ... به فراوانی دیده می‌شود. قبل از انقلاب در کشور ما هم نظام پادشاهی حاکم بود، به خاطر همین هم به لحاظ آموزشی در این حوزه گسترده‌تری نداریم. فقط، در دانشگاه تهران است که از قبل بود. وقتی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد، آن مدارس علوم سیاسی که از زمان قاجاریه به وجود آمده بودند، بعدها دانشکده حقوق و علوم سیاسی شدند و بنابراین رشته‌های مربوط به حقوق و علوم سیاسی همه در یک دانشکده قرار گرفت. خیلی رونق نداشت. در واقع، قبل از انقلاب، اسلام جایی نداشت که ما رشته‌ای به نام اندیشه سیاسی اسلام داشته باشیم. ما گسترش علوم سیاسی در ایران در شاخه‌ها و رشته‌های مختلف را مدیون انقلاب هستیم. انقلاب یک انقلاب مردمی بود، مبتنی بر مشارکت مردم بود، ضد امپریالیسم و سلطه بود، ضد استبداد بود و این‌ها باعث شد که فعالیت سیاسی در جامعه یک ارزش تلقی بشود. برای همین در سطح دانشگاه‌ها رشته علوم سیاسی گسترش پیدا کرده، البته به لحاظ اندیشه سیاسی اسلام باز هم در سطح دانشگاه‌ها شاهد تأخیر هستیم. ما امروز در سطح دانشگاه‌هایمان فقط یک رشته با عنوان اندیشه سیاسی اسلام در مقطع ارشد داریم. ما رشته‌ای که به اندیشه سیاسی اسلام بپردازد،

نداریم. فقط در رشته علوم سیاسی یک سری درس‌هایی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام ارائه می‌شود، که آن‌ها هم، مخصوصاً در شهرستان‌های دوردست با مشکل جدی استاد و متن درسی روبه‌رو هستند؛ یعنی ما در یک مقایسه می‌توانیم بگوییم اساساً بحث گسترش علوم سیاسی در معانی عام و اندیشه اسلام در معانی خاص، بعد از انقلاب اتفاق می‌افتد و قبل از آن موضوعیت نداشت. ضمن این‌که اندیشه سیاسی اسلام اساساً ممنوع بود اجازه داده نمی‌شد که مطرح بشود. به‌خاطر این‌که آن، ضد نظام سلطنتی بود. آن وقت‌ها، بحث مختصری هم که شده و امروز متونش در دست است، بیشتر حول و حوش فلسفه فقهی سلطنت، اندیشه سیاسی ایران باستان می‌چرخید. حتی اندیشه سیاسی غرب هم در ایران اجازه طرح پیدا نمی‌کند، به‌خاطر این‌که مخالف آموزه‌های سلطنت بودند. اما بعد از انقلاب، اصل گسترش علوم سیاسی اتفاق افتاده است. با تأخیرات بسیار زیاد، قدم‌هایی در جهت طرح اندیشه سیاسی اسلام برداشته شده، ولی هم‌چنان سطح دانشگاه‌های ما کارنامه قابل قبولی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام نداریم.

ارزیابی شما از وضعیت مطالعات اندیشه سیاسی از لحاظ کمی و کیفی چگونه است؟

حجت‌الاسلام لکزایی: نسبت به نیازهایی که داریم و نسبت به پرسش‌ها و انتظاراتی که هست خیلی عقب هستیم. اگر مطلوب را ۱۰۰ در نظر بگیریم من می‌توانم نمره ۱۰ را بدهم. خیلی فاصله زیاد است. این مسئله دلایل مختلفی دارد؛ یکی از دلایلش برمی‌گردد به بحث آموزش که عرض کردم. وقتی که نهادهای آموزشی ما، چه در حوزه، چه در دانشگاه، آموزش علوم سیاسی را در سطح گسترده و مخصوصاً در حوزه اندیشه‌های سیاسی اسلام جدی نمی‌گیرند، طبیعتاً پژوهش هم نخواهیم داشت. راه پژوهش از آموزش است.

دلایل جدی نگرفتن بخش آموزش از چیست؟ چرا بیشتر به آن پرداخته نمی‌شود؟

حجت‌الاسلام لکزایی: دلایل مختلفی دارد. بخشی از دلایل را باید بین حوزه و دانشگاه از هم جدا کرد. مثلاً در سطح دانشگاه‌ها وقتی که این بحث مطرح می‌شود که یک رشته تأسیس

بشود، وزارت علوم طبق آن آیین‌نامه‌هایی که دارد می‌گوید شما این-قدر استادیار به ما بدهید تا این رشته تأسیس بشود. ما هم می‌گوییم، اگر استادیار لازم در این رشته را داشته باشیم که دیگر نیاز به تأسیس در آن مقدار نباشد. شما الآن مثلاً در رشته فقه سیاسی بخواهید رشته‌ای تأسیس کنید، از کجا استادیار می‌آورید. اساساً چنین رشته‌ای وجود ندارد تا ما استادیار در این رشته داشته باشیم یا بهانه دیگری می‌آورند. مثلاً ما در همین پژوهش‌شکده علوم و اندیشه سیاسی، چند سال است متقاضی برگزاری دوره دکتری در رشته‌ای که خودمان به لحاظ پژوهشی تأسیس کردیم؛ یعنی در رشته فقه سیاسی و فلسفه هستیم و به ما می‌گویند که ما به پژوهش‌گاه‌های غیردولتی مجوز دکتری نمی‌توانیم بدهیم. می‌گوییم این‌جا وابسته به رهبری است، پژوهش‌گاه مربوط به بخش خصوصی نیست، می‌گویند، در مقررات ما این‌طور تعریف شده، این‌جا غیردولتی تعریف شده است. متأسفانه، کسانی متولی تصمیم‌گیری در این حوزه هستند، علوم انسانی و علوم سیاسی را نمی‌شناسند و برای آن ارزشی هم قائل نیستند؛ یعنی معتقدند که این‌ها اساساً علم نیست. علم فقط در حوزه تجربی و طبیعی و این‌ها است. یا ممکن است اساساً به آن اعتقاد نداشته باشند. دلایل بسیار زیادی دارد. من هم این‌ها را در جای دیگر به صورت مکتوب منتشر کردم. مثلاً نوشته‌ام که موانع گسترش هر یک از این رشته‌ها چیست.

ما در مقطع دکتری هنوز اندیشه سیاسی اسلام نداریم. الآن نظام ما، نظام جمهوری اسلامی، ولی رشته‌ای به نام فقه سیاسی در هیچ مقطعی نه کارشناسی، نه ارشد، نه دکتری نداریم، یا رشته‌ای به نام فلسفه سیاسی اسلام هنوز به لحاظ آموزشی تأسیس نکردیم. ما فقه سیاسی و فلسفه سیاسی را چند سالی هست که در گروه پژوهش تأسیس کردیم، ولی هنوز به ما مجوز آموزشی نداند. البته با همان استدلالی که عرض کردم. درحالی که مبنای نظم در جامعه ما فقه سیاسی است. از نظر کمی هم آثار کمی داریم؛ یعنی حتی نسبت به آن آثاری که از نظر کیفی هم به درد نمی‌خورد، وقتی که حساب بکنیم بسیار تعداد این‌ها کم است. مثلاً در همین ایران خودمان ببینیم که هر سال درباره اندیشه‌های سیاسی مارکس و هگل و افلاطون و پوپر چند تا کار ترجمه می‌شود، ولی به محض این‌که مثلاً یک کار درباره اندیشه سیاسی صدرالمآلهین انجام بشود، موانعی به

وجود می‌آید و می‌گویند که چرا شما چرا می‌خواهید نبش قبر کنید. می‌گوییم که ملاصدرا اندیشمند چند سال پیش است؟ حدود ۵۰۰ سال پیش. ولی افلاطون ۲۵۰۰ سال پیش. چه‌طور درباره اندیشه سیاسی افلاطون کتاب نوشتند، ترجمه کردند و چاپ کردند، این نبش قبر نیست، ولی به یک متفکر مسلمان که می‌رسد، می‌گوییم نبش قبر است. یا از آن طرف می‌گویند: یک کتاب نوشته شده، کافی است. فارابی مهم‌ترین فیلسوف سیاسی ماست، ولی جوانان ما فارابی را به لحاظ افکار و اندیشه نمی‌شناسند. دلیلش این است که ما نه در صدا و سیما و نه در مراکز تحقیقاتی پژوهشی نیامدیم درباره افکار و آثار فارابی، مخصوصاً در حوزه سیاسی، کارهای متنوعی ارائه بدیم. ما درباره اندیشه سیاسی فارابی یک کتاب در پژوهشکده انجام دادیم چاپ شد. در این جا من حتی از خود حضرت امام مثال می‌زنم. شما اگر در پی یک کتابی باشید که این کتاب اندیشه سیاسی امام را با روش و سبک دانشگاهی به دانشجوی ما یاد بدهند، چند تا کتاب می‌توانید نام ببرید؟ مقام معظم رهبری در حرم حضرت امام سخنرانی کردند و فرمودند که باید مکتب سیاسی امام کار بشود. من از جامعه علمی می‌پرسم که چند کتاب معتبر و روش‌مند و مفید و قابل استفاده برای افشار فرهیخته در سطوح مختلف ما می‌توانیم ارائه بکنیم. درحالی که در مورد حضرت امام از لحاظ کمیت کار زیاد منتشر شده، ولی به لحاظ کیفی وقتی نگاه می‌کنیم، کاری صورت نگرفته. لذا من خودم این‌طور فکر می‌کنم که ما الآن در آغاز پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی اسلام قرار داریم و اگر از این مراکز پژوهشی حمایت بشود، امیدوار هستیم که در آینده بتوانیم یک مقدار انتظاراتی که وجود دارد برآورده بکنیم.

در مقایسه بین آثار تألیفی در این حوزه و آثار ترجمه-ای در این حوزه چه نکاتی است؟

سهم ترجمه خیلی در کارهای ما کم است، ولی در کشورمان در حوزه اندیشه سیاسی اسلام، آثار ترجمه‌ای داریم. این آثار ترجمه‌ای غالباً نیازمند نگاه انتقادی هم هست؛ یعنی باید آن کسی که ترجمه می‌کند قدرت این را داشته باشد که بر آن پاورقی بزند، یک مقدمه انتقادی بزند که معمولاً این اتفاق نمی‌افتد. ما عمده کارهایمان در حوزه تألیف است. عمده کارها در این حوزه تألیفی و پژوهش داخلی

محسوب می‌شود. سهم ترجمه خیلی کم است، شاید مشهورترین کتاب ترجمه‌ای که دانشجویان علوم سیاسی در ایران با آن آشنا هستند، کتابی است که مرحوم دکتر حمید عنایت نوشتند به نام اندیشه سیاسی در اسلام معاصر که ترجمه شده است، آن هم به دلیل این که به انگلیسی نوشته شده بود و طبق آن چه آقای عنایت آورده، این است که استاد مطهری از ایشان می‌خواهند یک کتابی برای خارجی‌ها بنویسند تا آن‌ها با اندیشه سیاسی شیعه آشنا بشوند. چون کتاب‌هایی که در آن زمان به زبان انگلیسی موجود بود، بیشتر اندیشه سیاسی اهل سنت را توضیح می‌داده و ایشان کتاب‌شان را به انگلیسی نوشتند و بعد توسط برخی از مترجمین به فارسی ترجمه شده است. یکی از آن‌ها هم ترجمه‌ای است که آقای بهاء‌الدین خرم-شاهی انجام داده و ترجمه خوبی است. ما هم در پژوهشکده دو یا سه ترجمه داشتیم؛ مثلاً کتاب ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام را از حسن بن عباس حسن ترجمه کردیم و چاپ شده است.

نقد هم شده؟

حجت‌الاسلام لک‌زایی: این نویسنده چون شیعه بود، کار آن احتیاج به نقد نداشت، اما یک بررسی تطبیقی هست بین اندیشه سیاسی شیعه و اهل سنت و مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی اسلام که آن را ترجمه کردیم و آن پاورقی‌های انتقادی دارد. یک ترجمه دیگر از عربی به فارسی در دست نشر داریم با عنوان اصول تفکر سیاسی در آیات مکی قرآن که رساله دکتری بوده که در مصر انجام شده است. کار بسیار ارزشمندی هست که آن را ترجمه کردیم و انشاءالله منتشر خواهد شد.

اندیشه سیاسی اسلام را در مقایسه با وضعیت جهانی چطور شما می‌توانید ارزیابی کنید؟

حجت‌الاسلام لک‌زایی: ما به دلیل این که علوم سیاسی در کشورمان جدی گرفته نمی‌شود، جایگاه برجسته‌ای در حوزه علوم سیاسی به معنای عام نداریم، اما در حوزه اندیشه سیاسی اسلام به دلیل این که دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های موجود در دنیا در این بخش کار نمی‌کنند و الویت‌شان نیست که در این بخش کار بکنند، ولی همین الآن همین مقدار کارهایی که ما در این سال‌ها انجام دادیم

نسبت به آن چه که در دنیا دارد انجام می‌شود، جایگاه اول را داریم. دلیل اصلی آن این است که آن‌ها ورود به این بخش‌ها را در اولویت کاری خودشان نمی‌دانند، به همین خاطر است که الآن کسانی که در حوزه اندیشه سیاسی اسلام می‌خواهند کار بکنند، غالباً به این‌جا مراجعه می‌کنند. ما اساتید صاحب‌نامی داشتیم که به ایران آمده بودند تا در حوزه اندیشه سیاسی اسلام تحقیق بکنند. این‌ها غالباً به دانشگاه تهران مراجعه می‌کنند و دوستانی که آن‌جا هستند آن‌ها به این‌جا ارجاع می‌دهند.

اگر بخواهید نمونه‌های چشم‌گیر را در این حوزه از مطالعات نام ببرید، به چه نمونه‌هایی اشاره می‌کنید؟

حجت‌الاسلام لکزی: از این کارهایی که ما تا حالا انجام دادیم، چند نمونه را می‌شود به عنوان کارهای برجسته مورد توجه قرار داد. یکی همان اولین کار این‌جاست که هنوز هم به صورت کامل منتشر نشده و در دست نشر است. عنوان آن تاریخ اندیشه سیاسی متفکران مسلمان است. این کتاب، طرح مفصلی دارد که سه بخش دارد؛ بخش اول آن تدوین تک‌نگاری‌هایی است که از علمای برجسته است. هر کدام یک مجلدی آماده شده و حدود چهل متفکر تا حالا چاپ شده است. تعدادی اندیشه از این‌ها هم در جهان عرب به عربی ترجمه شده است. تا آن‌جایی که من خیر دارم ۱۴ جلد به زبان عربی هم ترجمه شده است. این کتاب، کلاً حدود ۵۰ جلد است. مرحله دوم این طرح تدوین تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی بر حسب دوره‌ها است که از آن‌ها هم، بخش مربوط به دوره صفویه انجام و چاپ شده است. بقیه آن هنوز تمام نشده است. فاز سوم آن تدوین تاریخ اندیشه سیاسی اسلام است؛ یعنی اول تک‌نگاری‌ها، بعد دوره‌ها و بعد از آن کار اصلی که می‌خواهد کل تاریخ را با فراز و فرودهایی که داشته تدوین کند. این کار مهمی بوده که در این‌جا انجام شده و در جاهای دیگر از این استفاده می‌کنند. مخصوصاً الآن که رشته اندیشه سیاسی اسلام تأسیس شده، در حوزه تاریخ سیاسی اندیشه از این پروژه دارند بهره می‌گیرند. کار دومی که این‌جا انجام داده و برجسته بوده، اندیشه یک‌سری پژوهش‌ها در حوزه فقه سیاسی و فلسفه سیاسی بود که منجر شد به تأسیس این دو گروه پشتوانه تأسیس این دو گروه قرار گرفت. و کار سوم که از نوآوری‌های منحصر به فرد این‌جا هست طرح ایده سیاست متعالی از منظر حکمت متعالی هست که به عنوان یک ایده جهانی ما مطرح کردیم و امسال هم در سوم بهمن، همایشی را برگزار کردیم. این طرح با اشراف علمی حضرت آیت‌الله جوادی آملی و راهنمایی و نظارت ایشان انجام می‌شود. تاکنون محصولاتی که در این بخش داشتیم حدود ۱۰ مجلد هست که البته در دست نشر است. دو یا سه مجلد آن منتشر شده و بقیه هم به مرور ان شاءالله منتشر خواهد شد.